

رابطه ی هنر آجرکاری با فرهنگ

(در آمدی بر آجرکاری خانه‌های سنتی در زمینه‌ی شهر یزد)

فرشته شجاع

کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

f.shoja93@gmail.com

حسین پور مهدی قائم مقامی

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد

h-ghaemmaghani@sbu.ac.ir

چکیده

آجر هزاران سال است که با معماری ایرانی عجین و عضو جدایی ناپذیر آن شده است. ایرانیان به خوبی و به درستی از ارزش‌های فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی و کاربردی مصالحی چون آجر سود جستند و میراث هنر آجرکاری ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های هنر ایرانی-اسلامی خود شاهد این مدعاست؛ هنری که متأسفانه چندین سال است که جزء هنرهای از یادرفته شده و آن‌چنان که باید و شاید اهمیتی به این قضیه داده نشده است. مطالعاتی نیز که بر روی این موضوع صورت گرفته، بیشتر به ابعاد و ارزش‌های فنی و کالبدی این هنر پرداخته و وجوه ناپیدا و ارزش‌های فرهنگی این هنر، در ارتباط با زمینه‌ی کاربردی خود، بیش از پیش مغفول مانده است که بایستی آن‌ها را بازشناخت. درواقع با بررسی آثار معماری سنتی می‌توان به اصولی دست یافت که در عین پیوستگی با گذشته، قابل استفاده در آثار هنری دوران معاصر نیز هستند. دراین پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مشاهدات و بررسی‌های میدانی، عکاسی بافت‌های آجرکاری، برخی ویژگی‌های معنایی آجرکاری خانه‌های سنتی یزد در رابطه با فرهنگ زمینه تبیین گشته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در معماری آجری مدرن سوای مسائل کالبدی، فنی و ایمنی در طرح‌ریزی یک بنا توجه به ویژگی‌های معنایی منشعب از اعتقادات و باورهای اصیل مردم در آن زمینه‌ی خاص همواره می‌تواند ضریب ایستایی و پایداری بنا را به شکل چشم‌گیری افزایش دهد.

واژگان کلیدی: آجرکاری، فرهنگ، معماری سنتی، یزد

۱. مقدمه

آجرکاری را هنر چیدمان آجرها در ابنیه به منظور عرضه نماهای تزئینی متناسب با ساختار بنا نام نهاده‌اند. استاد ماهرالنقش در مورد هنر آجرکاری معتقد است: "از زمان‌های بسیار دور آجر را به نحو احسن در ساختمان‌سازی به کار گرفتند و با زیر و رو کردن آجر و کج و راست گذاشتن آن و به کار گرفتن ذوق هنری، هر یک از اساتید فن توانستند نقش‌هایی کم‌وبیش به آجرکاری‌ها بدهند و در گوشه و کنار به وسیله استادکاران دستاوردهایی ساخته شد و مورد توجه اساتید هنر قرار گرفت. با سر ذوق قرار گرفتن هنرمندان و پشتکاری که در آن‌ها بود، دیری نپایید که آجر بر پیکر بناها با هنرمندی‌ای که در آن‌ها به کار رفته بود به نمایش گذاشته شد و طالبان هنر را بر آن داشت که روکارهای درونی و بیرونی ساختمان را که در دید عام بود زیبا سازند تا در برابر طبیعت که نعمتی است، خدادادی یک هماهنگی موزون به وجود آورند." (ماهرالنقش، ۱۳۸۱، ص. ۵۵)

پروفسور "اکاشه"، هنرمند و هنرشناس بزرگ مصری، در مورد هنر آجرکاری و بناهای آجری گفته است: جهان باید هنر را در آثار و بناهای آجری در کشورهای مختلف، خصوصاً در معماری اسلامی ایران جست‌وجو کند. از آغاز تاریخ بشریت هر جا را که جست‌وجو کنیم «آجر» را می‌بینیم چه تقریباً تمام تمدن‌ها از آن استفاده کرده‌اند و در واقع آجر نمایان‌گر تمدن‌ها، احساسات، فرهنگ و ذوق ملل بوده و همراه بشر گام برداشته و رابط نسل‌ها است. (اهری، ۱۳۵۲)

در رابطه با فرهنگ هنوز به یک تعریف جامع و کامل و مانع نرسیده‌ایم. فرهنگ رسوباتی است که جریان تمدن در بستر جغرافیایی و تاریخی خود به جای گذاشته است. انسان و طبیعت منشأ شکل‌گیری فرهنگ هستند. فرهنگ را می‌توان نرم افزار تمدن به حساب آورد البته اگر تمدن را سخت افزار آن بدانیم. راپاپورت می‌گوید: «انتخاب‌های خاصی که جامعه روا می‌پندارد، مظهر فرهنگ آن جامعه است. در حقیقت یکی از راه‌های بررسی فرهنگ، نظر کردن به عام‌ترین انتخاب‌های جامعه است. روایی انتخاب‌هاست که در هر فرهنگ، اماکن و بناها را از اماکن و بناهای فرهنگ‌های دیگر متمایز می‌کند» (راپاپورت، ۱۳۸۸) فرهنگ مجموعه‌ی پیچیده‌ای است که در برگیرنده‌ی دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به وسیله‌ی انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است. (امامی، ۱۳۸۸، ص. ۶۷-۸۵) در این نگاه معماری مقوله‌ای فرهنگی است که در بستر محیط شکل می‌گیرد در واقع معماری و فرهنگ دو مقوله‌ی جدایی ناپذیرند که خواه و ناخواه بر یک دیگر تأثیر می‌گذارند که این تأثیر از جزء تا به کل را شامل می‌گردد. حال این سوال مطرح می‌گردد که فرهنگ چه نسبتی با جزء یک معماری (هم‌چون تزئینات آجرکاری) می‌تواند داشته باشد؟

آجر، در تاریخ تمدن ایرانیان، گذشته از جنبه‌ی مادی و فنی آن، دارای منزلتی هنری و فرهنگی نیز هست که در آثار تاریخی برجسته‌ی این کشور به چشم می‌خورد. فراتر از وجوه عینی و پیدای «آجرکاری» که بعضاً با نقشه قابل ترسیم و تبیین است، وجوه ناپیدای این گونه تولید نیز، محتملاً حرف‌هایی برای گفتن دارد که شاید و تا حدودی بتوان آن‌ها را باز شناخت. نگاه تاریخی به میراث آجرکاری یک سرزمین نیز خود به عنوان موضوع میراث فرهنگی تلقی می‌شود که در جهت حفظ هر آنچه مربوط به گذشته است، اهمیت می‌یابد. به عنوان یک موضوع تاریخی ساختن با آجر و روش‌های مختلف آن، مردم‌شناسی آجر و آنچه بتواند آجر را به عنوان یک موضوع مطرح نماید، جهت نمایش و معرفی فرهنگ گذشته، ضرورت پیدا می‌کند. از سوی دیگر اصطلاح به عنوان یک شاخص زبانی در تولید و انتقال هر علم، فن، هنر و معرفت نقش تعیین کننده‌ای دارد و اهالی آن علم، فن، هنر و معرفت را به لحاظ نظری و عملی با هم پیوند می‌دهد. اگر بنا باشد به وجوه ناپیدای آجرکاری پرداخته شود، یکی از چاره‌ها، توسل و توصل به اصطلاحات مرتبط با معماری سنتی ایران است، چراکه هنر با تفکر رابطه دارد. (اولیا، ۱۳۹۵) که البته در این مقاله کم‌تر به مقوله‌ی اصطلاح‌شناسی پرداخته می‌شود.

۲. روش تحقیق

با توجه به مسئله‌ی مورد نظر این مقاله؛ جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای پیش زمینه‌ی ورود به بحث و شناخت نسبت به سوال تحقیق صورت می‌گیرد. در این بخش با مراجعه به منابع مکتوب شامل: اسناد قدیمی، کتب، مجلات، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط به زمینه‌های اصلی تحقیق پرداخته می‌شود. در گام بعدی از طریق مطالعات و برداشت‌های میدانی و مصاحبه‌ی عمیق با اهالی فن تلاش شده است تا در حد توان به پاسخ جامعی در جواب به پرسش تحقیق نائل آید. در این مقاله روشی که برای دیدن نمونه‌ها انتخاب شده از نوع توصیفی-پیمایشی بوده، که به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انجام گردیده است. با تحلیل نمونه‌ها، بعد از کدگذاری اطلاعات، مقوله‌بندی و تفسیر الگوها و روابط انجام گرفته و از طریق تحلیل و تفسیر مقوله‌های استخراج شده و انتظام یافته پیام‌های گوناگون و ارزش‌های فرهنگی که به طور عام در زمینه‌ی شهر یزد به واسطه‌ی به کارگیری مصالح آجر مجال بروز و انتقال یافته‌اند مورد واکاوی قرار خواهند گرفت و ذیل شش ارزش به گونه‌ی دسته بندی شده ارائه خواهند گردید. نمونه عکس‌های انتخاب شده

ذیل هر بخش نیز تنها نماینده‌ای از نمونه‌های فراوان عکس‌برداری شده در شهر یزد هستند؛ لذا انتخاب این نمونه‌ها با دقت انجام شده است تا نتایج به دست آمده از تحلیل‌ها به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

۳. یافته‌های تحقیق

در واقع باید اذعان نمود که هیچ ساخته و حتی فرآورده انسانی را نمی‌توان سراغ گرفت که از فرهنگ تأثیر پذیرفته و یا بر آن تأثیر نگذارد. (نقی زاده، ۱۳۸۱) یزد با سرزمینی با بیابان‌های وسیع در اطراف، باران کم و شرایط سخت آب و هوایی از آن مردمی با فرهنگ و هویت اصیل است که قناعت را اساسی‌ترین پایه‌ی زندگی خود قرار داده‌اند و حتی اگر آب را از صدها متر زیر زمین بیرون بیاورند، آن را سخاوتمندانه در اختیار دیگران می‌گذارند. (جباری فر، ۱۳۸۷) به طور کلی خصلت‌ها و صفتهایی که غالباً در مردم یزد دیده می‌شود بدین قرار است: سخت‌کوشی، دوراندیشی، مالدوستی، محافظه‌کاری، مقتصد، همدوستی، بذل‌گو، رقابت طلب، سنت گرا، فامیل دوست، مهمان نواز، کنج‌کاو، دورنگرا، متدین، خوش حساب و... (عنایت‌اللهی، ۱۳۸۰) در ادامه به تفصیل از شش ارزش فرهنگی و رابطه‌ی آن‌ها با نحوه‌ی کاربست هنر آجرکاری در خانه‌های یزد سخن خواهد رفت و در پی اثبات آن هستیم که فرهنگ نه تنها در شکل‌گیری کل یک معماری از جمله هم‌نشینی فضاهای اندرونی و بیرونی در کنار یک‌دیگر و شکل‌گیری یک معماری حداکثری با قید و قيود خاص (به طور ویژه در مورد یزد؛ چه آنکه در گوشه‌ی دیگری از ایران همچون خطه‌ی شمال شاهد معماری کاملاً متفاوت از یزد هستیم) را سبب می‌گردد بلکه در شکل‌گیری اجزا و تجهیزات و حتی تزئینات معماری نیز به تبعیت موثر است.

۳.۱. فرهنگ ساده‌زیستی

پیش‌تر گفته شد که کمبودهای سرزمینی صفات و اخلاقیات خاصی را در مردم آن دیار بارز می‌نماید و یا ارزش‌ها و طرز تفکر خاصی را در مردم درونی می‌کند. اقلیم سخت و خشن‌کوبی نیز همواره صفات ساده‌زیستی و قناعت را به مردم یزد القا کرده است. از قدیم الایام ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی به عنوان یک خصلت اصیل در نزد مردمان یزد آنان را از استفاده از مصالح زینتی و پر زرق و برق منع می‌کرده است. به‌طور کلی به دلیل گرانی و سختی تهیه آجر (نسبت به خشت)، یزدی‌ها آجر را با وسواس خاصی به کار گرفته و اکثراً بناهای شاخص به خصوص اماکن مذهبی خود را با آجر می‌آراستند و کم‌تر در منازل مسکونی از این عنصر بهره می‌گرفتند مگر در برخی نواحی خاص که در معرض آسیب قرار داشته و نیاز به مصالح بادوام‌تری نسبت به خشت بوده است. بنابراین آجر چه به عنوان عنصر سازه‌ای و چه به عنوان عنصر تزئینی صرف در بناهای قدیم یزد

کم‌تر استفاده شده است. با توجه به خصوصیات اقلیم گرم و خشک؛ معماری خاص یزد ایجاب می‌کرد که پی و جرز خانه‌های قدیم بسیار قطور باشند تا هم تاب تحمل سازه‌های طاقی و گنبدی برخاسته از فرم غالب خانه‌ها در این منطقه را داشته باشند و نیز هم‌چون عایقی از نفوذ گرمای سوزان تابستان و سرمای شدید زمستان به داخل خانه محافظت نماید، لذا به کار بردن آجر در پی و جرز خانه‌ها به دلیل وسعت و پهنای آن هرگز مقرون به صرفه نبود و یزدی‌ها نیز بسیار مقتصد بوده و به خشت خام در پی‌ریزی خانه‌های خود قانع بودند؛ در حالی که در خوزستان بدلیل وجود سوخت، آجر ارزان‌تر از یزد بوده و لذا می‌بینیم که اکثریت مصالح خانه‌های شهری هم‌چون دزفول برخلاف یزد از آجر بوده است. (شجاع، ۱۳۹۷، ص. ۵۹)

کیفیت سادگی و بی‌پیرایگی در این بافت‌های آجرکاری را می‌توان از کفایت و قناعت در استفاده از مصالح آجر و کاربست آن در کلیه عناصر سازنده‌ی فضا دیوار، سقف، کف، پنجره، شباک، نورگیر، دست‌انداز بام، نرده گرفته تا پیشانی پله‌ها و پاسخ به همه‌ی این اجزا از طریق قابلیت‌های آجر، بازشناخت. آجرکاری خانه‌های یزد به اندازه بودن را به سادگی بیان می‌کند و اصولاً بیان ساده به دل می‌نشیند و با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کند؛ در عین حال این سادگی و قناعت پاسخ‌گوی نیازهای کاربردی نیز می‌باشد. کاربست این مصالح به نحوی بسیار ساده و گویا در تمامی عناصر سازنده‌ی خانه‌ها مشاهده می‌گردد البته در نمود بیرونی تفاوت خانه‌ها تنها در نحوه‌ی کاربست این مصالح در سردر، بدنه و تاج بادگیر خانه‌هاست که خود حاکی از ارزش ساده زیستی و به حداقل رساندن اختلاف اجتماعی میان فقیر و غنی (حداقل در نمود بیرونی خانه) می‌باشد. (همان، ص. ۷۹)

۳.۲. فرهنگ سخت کوشی

شرایط اقلیمی و سخت طبیعی، وجود کویرهای پهناور و کم‌آبی و فاصله زیاد یزد با همسایگانش به خاطر شرایط کویری باعث شده که فرهنگ یزد از یک‌سری ویژگی‌های خاص برخوردار شود که مهمترین آنها سخت‌کوشی مردمان این دیار است. اساساً تقدس یافتن سخت‌کوشی در فرهنگ یزد و تبدیل شدن آن به یک ارزش بالای فرهنگی و اجتماعی، خود از شرایط دشوار اقلیمی نشأت گرفته است. مردم یزد از دیرباز مردمی سخت‌کوش و اهل کار و فعالیت بوده‌اند. لذا مالک خانه اغلب خود به تهیه‌ی خشت از خاک زمین محل احداث خانه جهت آماده‌سازی کل مصالح مورد نیاز خود اقدام می‌کرده تا از حداقل امکانات محیط حداکثر بهره را ببرد. در واقع عدم استفاده از مصالح اضافی و استفاده از امکانات موجود (دم‌دست) با وجود فقر محیط رعایت اصل سخت کوشی را در این جامعه یادآوری می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص بافت‌های آجری این است که حتماً اثر دست بنا و نیروی انسانی در آن‌ها شاخص می‌باشد و همه‌ی این‌ها نشان دهنده‌ی ارزش اثر و هنر دست در هنر معماری است. در چنین بافتی اثرگذاری سازنده در آن مشخص و کار نیروی انسانی در آن مشهود می‌باشد این در حالی است که چنین

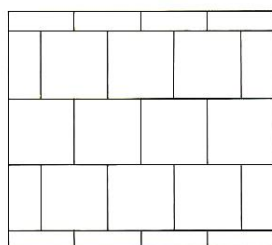
کیفیتی در بناهایی که با تکنولوژی‌های پیش‌ساخته و عناصر کارخانه‌ای ساخته شده باشند، وجود ندارد و ارزش هنر دست در آن مشهود نیست و احساسی که در انسان برمی‌انگیزد نیز همانند احساس او در مقابل فرش ماشینی در مقایسه با فرش دست‌باف می‌باشد. "جلوه‌ی زیبای نقش‌های دست‌ساز منحصر به فرد، چیزی نیست که بتوان بین تمامی ابعاد وجودی آن وجه تمایز قائل گشت و یکی را بر دیگری ترجیح داد و به عبارتی دست‌ساز بودن کیفیت تک‌ساز بودن را برای ما به ارمغان خواهد آورد." (جعفری نجف آبادی، ۱۳۹۰) در واقع در بناهای سنتی فکر با مصالح ترکیب شده و تکنیک را به وجود آورده است و در این نوع معماری این انسان‌ها هستند که معنا می‌یابند و سخت کوشی و جوهره‌ی وجود انسان است که به بنا ارزش می‌بخشد.

۳.۳. فرهنگ صرفه جویی و عدم اسراف

صرفه جویی به دنبال همان شرایط سخت طبیعی منطقه و تاثیر آن بر زندگی مردم یزد شکل گرفته است به گونه‌ای که با وجود دشواری‌های موجود، امکانات و نیازهای زندگی‌شان را رفع می‌کردند. روحیه قناعت یزدی‌ها نه به معنی مصرف همراه با خست، بلکه بیانگر مصرف همراه با تعقل و پایه‌ی تولید است. در کاربست مصالح (به خصوص مصالحی چون آجر که برای آن‌ها مصالح گران و مجللی در زمان خود محسوب می‌شده) نیز این اصل همواره مدنظر معمار قرار گرفته است. برای مثال کف از جمله سطوح آسیب‌پذیر است که از گذشته با مصالح مقاوم آجر، فرش می‌شده و شیوه‌ی اجرای آن در اکثر خانه‌ها به شیوه‌ی نیم‌انیم بوده است. اجرای کف به صورت نیم‌انیم بسیار آسان‌تر از روش شطرنجی است چه‌آنکه با بهره‌گیری از خطای دید آدمی، قناسی و عدم تطابق صددرصدی آجرها با یکدیگر را می‌توان نادیده گرفت و یا با تغییر اندازه‌ی بند بین دو آجر، آن را حل و فصل کرد. در این روش حتی اگر از آجری با اندازه‌ی کاملاً متفاوت از آجرهای دیگر استفاده گردد (تصویر شماره‌ی ۲) در کل، به دلیل خطای دید و در یک امتداد نبودن بندهای آجرها، به چشم نمی‌آید و به غیر از قناسی خود آجرها که در این روش از نظر پنهان می‌ماند، قناسی کل فضایی که با این روش فرش می‌شود نیز به راحتی می‌توان با اندکی جابه‌جا کردن بندها حل و فصل کرد بدون آن‌که در طرح کلی مشکلی پیش آید از طرفی در امتداد نبودن بندها دوام سطح را نیز به دلیل درگیری بیشتر آجرها با یکدیگر افزایش می‌دهد البته رعایت این مطلب در اجرای سطوح عمودی موضوعیت بیشتری می‌یابد. از آن‌جا که در شیوه‌ی شطرنجی نمی‌توان از اختلاف اندازه‌ی آجرها چشم‌پوشی کرد (زیرا بر ممتد بودن بندها تاثیرگذار است) پس لاجرم سبب حرام شدن مصالح می‌شود به این دلیل که یا آجرهای قناس و غیر هم‌اندازه کنار گذاشته می‌شود و یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت سعی در تراش دادن و هم‌اندازه کردن آجرها می‌شود که پرت زیاد مصالح را در پی دارد. عدم توجه به این خطای اندازه در ساخت آجرها نیز هر چند در ابتدای پوشش سطح به چشم نیاید در اتمام کار می‌تواند مشکل‌ساز شود.

بنابراین اجرای شیوه‌ی شطرنجی نیازمند صرف وقت، مصالح، نیرو و هزینه‌ی بیشتری است و لذا این شیوه بر دو شیوه‌ی دیگر ارجحیت دارد چه آنکه اکثر معماران قدیم یزد کف‌سازی به شیوه‌ی شطرنجی را حتی بدشگون می‌دانند و این معنا چیزی فراتر از منطق‌های کاربردی و فنی کار است که از ارزش‌های فرهنگی و از همان اعتقاد راسخ انسان دوره‌ی سنت به «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» نشأت گرفته است. (شجاع، ۱۳۹۷، ص. ۷۱-۷۲)

شیوه‌ی دیگر که البته به ندرت در بناهای اصیل دیده می‌شود؛ شیوه‌ی لوزی است که همانند شیوه‌ی شطرنجی مشکل در یک امتداد بودن بندها و دشواری اجرا را دارد اما به دلیل محورهای مایل نسبت به روش شطرنجی بهتر می‌توان در آن از خطای دید انسان جهت پوشاندن خطاهای کار کمک گرفت، ولی پرت مصالح نسبت به شیوه‌ی شطرنجی (به دلیل برش آجرهای لوز اطراف کار) خیلی بیشتر است و معمار سنتی از حرام کردن مصالح به جد گریزان است. (همان)

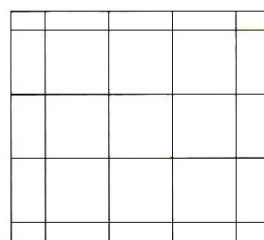


RUNNING BOND

تصویر ۱: شیوه‌ی نیم‌انیم
ترسیم: نگارنده

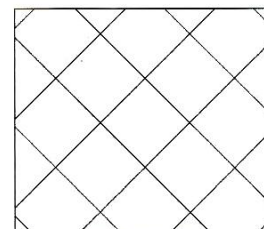


تصویر ۱: شیوه‌ی نیم‌انیم عکاس: نگارنده



JACK-ON-JACK

تصویر ۳: شیوه‌ی شطرنجی
ترسیم: نگارنده



DIAMOND

تصویر ۴: شیوه‌ی لوزی یا مربع قناس
ترسیم: نگارنده



تصویر ۵: سقف قسمتی از خانه‌ی سیگاری‌های یزد که با دوریختی‌های آجر آب‌انباری پوشیده شده است. (عکاس: ادب، ۱۳۸۹) مأخذ: (امینی، ۱۳۹۲)

بکارگیری آجرهای شکسته و پاره‌آجر در جاهای مختلف از جمله کف بام‌ها نیز خود شاهد دیگری بر این مدعاست. تصویر ۵ قسمتی از سقف خانه‌ی سیگاری‌های یزد را نشان می‌دهد که برای پوشش آن از قطعات دورریز آجر استفاده شده است پوشش این سقف با قطعات کوچک آجر به اجرای آن کمک می‌کند، چراکه هندسه‌ی این سقف غیر هندسی بوده و پوشش آن با قطعات هندسی و مربعی آجر آب‌انباری دشوارتر است. کاربست پاره آجر

در این جا علاوه بر تیزهوشی معمار، به فرهنگ دوری از اسراف مرتبط می‌باشد که در واقع معمار ایرانی بر اساس آموزه‌ی دینی و فرهنگی، از بیهودگی و اسراف پرهیز کرده و هیچ چیز را دورریز و بی مصرف نمی انگارد. (امینی، ۱۳۹۲)



تصویر: پلکان خانه‌ی لاری یزد قبل از مرمت
خانه (مأخذ: آلبوم نوشتاری برداشت خانه‌ی لاری‌ها
، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد)

عکس بالا: توجه به نحوه‌ی چیدمان آجرها در پله و
وجه قرارگیری آجر عکس پایین: استفاده از آجر با
مقاومت بالا (آجر جوش) در ساخت پله جهت
استفاده ی مجدد از آن

چینش آجرها برای ساخت پله نیز معمولاً به صورت یک ردیف آجر رگ‌چین و یک ردیف آجر هره بوده است. توجه معمار قدیم به لبه‌ی پله و آسیب‌پذیری بسیار آن به دلیل پاخور بودن از دو جهت بود: نخست انتخاب آجر بسیار مقاوم که معمولاً از آجر جوش سبز رنگ استفاده می‌کرد و دوم تغییر در نحوه‌ی چینش آجر از رگ-چین به هره؛ چه آن‌که آجر رگ‌چین نسبت به هره در اثر تماس پا سریع‌تر دچار لق‌شدگی می‌گردد. علاوه بر این آجر استفاده شده در کف پله‌های خانه‌ها، بعد از مدتی که بر اثر تماس پا مورد سایش قرار می‌گرفت، پشت‌ورو می‌شد که استفاده مجدد از آجر نیز حاکی از همان منطق معنایی عدم اسراف نزد پیشینیان است. رعایت همین نکته را در شیب‌راه‌ها نیز شاهد هستیم که معمولاً با آجر رگ‌چین به گونه‌ای که لبه‌ی آجر در تماس با پا اصطحکاک پیدا کند استفاده کرده و پس از ساییده شدن آجرها را پشت‌ورو و دوباره مصرف می‌کردند. (شجاع، ۱۳۹۷، ص. ۷۸) در کتاب "گوهر شب چراغ یزد" که روایت زندگی یک روحانی تراز و الگوی یزدی به نام آشیخ غلام‌رضا است اینگونه آمده است: آجرهای پله را نشان دادم و گفتم: "بدجوری ساییده، من و اکبر نزدیک بود کله پا شویم اجازه بدهید بگویم تعدادی آجر قزاقی بیاورند تا عوضشان کنم. با مهربانی تکه گلی از لباسم کند -هنوز مانده تا استاد قابل‌ی بشوی! به آجر نو نیازی نیست. آجر پله‌ها را طوی با نیش کلنگ بکن که صدمه نبیند. بعد وارونه کار بگذار. یادت باشد که طرف ساییده آجرها جلو پله نباشد بلکه سمت عقب باشد. (سالاری، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰)

۳.۴. فرهنگ عبادت و دین داری

فرهنگ عبادت نیز در میان یزدی‌ها نقش پررنگی دارد و این مورد نیز بی‌ربط با جبر محیط بر آن‌ها نیست. بخشی از روحیه‌ی دین‌داری و خدا‌باوری موجود در بین مردمان یزد نیز نشأت گرفته از شرایط طبیعی و افق‌های باز کویر است به نحوی که فضای

کویر منجر به ایجاد ظرفیت های ذهنی بزرگی در افراد شده و آنها را آماده و مستعد پذیرش انوار الهی و پیام پیامبران وحی کرده است و به همین دلیل نیز اصولاً مردم یزد، مردمی دین باور و معنویت گرا هستند. از قدیم الایام تاکنون به دلیل مذهبی بودن مردم یزد و اعتقاد به رعایت حال همسایه و پرهیز از تجمل گرایی (و در کنار آن شاید اعتقاد به چشم زخم) همواره سعی داشته اند که دخل و خرج زندگی خود را از چشم همسایه مخفی نگه دارند و شاید این مساله باعث می شده که از هزینه های اضافه برای خود و خانه ی خود پرهیز کرده و خود را هم سطح دیگران نشان دهند و از صرف هزینه های گزاف بخصوص در نمود بیرونی خانه هایشان برای یک دست بودن جامعه و کم شدن فاصله ی میان فقیر و غنی خودداری می کردند. توجه و اعتقاد راسخ به عدم اسراف که پیش تر از آن یاد شد نیز از همین مذهبی بودن و مقید بودن به شرعیات نشأت می گیرد. (شجاع، ۱۳۹۷، ص. ۶۰)

از طرفی آجر به دلیل مقدس بودن در نزد زرتشتیان یزدی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته چراکه زرتشتیان آجر را ترکیبی از چهار عنصر مقدس (آب، باد، خاک و آتش) می دانستند و در تزئینات آجری خود نیز معمولاً از عدد چهار در طراحی نقوش چلیپا در مشبک ها بهره می گرفتند؛ درواقع باور و اعتقاد مذهبی گاهی بر فقر محیط نیز غلبه کرده و معتقد به هر زحمت و مشقتی آن مصالح مقدس را فراهم می آورد تا بناها را با آن بسازد، لذا تزئینات وابسته به آجرکاری در بناهای وابسته به زرتشتیان یزد بسیار شاخص است.



تصویر ۷: فخر و مدین خانه باغ مشیر،

راهروی مشرف به گودال باغچه

عکاس: نگارنده

اعتقادات و ارزش های مذهبی مردم این دیار نه تنها در شکل گیری کل کالبد خانه و ایجاد فضاهای اندرونی و بیرونی، حفظ محرمیت بسیار، رعایت سلسله مراتب ورود به هر فضا و رعایت قیود بسیار با همسایه موثر بوده است، بلکه در شکل گیری اجزا و تجهیزات فضا همچون انواع شبک های آجری نیز نقش بسزایی داشته است. این مشبک ها در یزد اکثراً با چیدمان صلیبی تکرار شده و بسیار پرکاربرد بوده اند و با توجه به محل کاربرد علاوه بر سبک سازی دیوار، عبور جریان هوا را ممکن ساخته و در ایجاد محرمیت و خصوصی سازی فضا مؤثر بوده اند.

استاد پیرنیا فخر و مدین را این چنین تعریف می کند: "فخر و مدین عبارت است از دیوارهایی که با قطعات گل پخته به شکل های هندسی و غیرهندسی ساخته می شده و چون در حفره های آن فاصله هایی به وجود آمده، می کوشیدند که شکل و هیئت سوراخ ها نیز زیبا باشد." (پیرنیا، ۱۳۸۱، ص. ۳۵۵)

۳.۵. فرهنگ طبیعت دوستی

واضح‌ترین نمود این ارزش فرهنگی را می‌توان در معماری یزدی‌ها مشاهده کرد و دلیل آن نیز این بوده که مردمان این دیار چنان درگیر مدیریت فضای طبیعی خود بودند که ذوق زیبایی‌شناسی و گرایش‌های هنری خود را عمدتاً در بناها منعکس می‌کردند. توجه ویژه‌ی معماری این دیار به نقش حیاط در شکل‌گیری خانه‌ها بر کسی پوشیده نیست علاوه بر کلیات معماری بر جزییات و حتی تزیینات نیز این ارزش و فرهنگ نمود پیدا می‌کند و انواع نقوش گیاهی و اسلیمی بر روی آجرهای نقش‌دار تزیینی را شاهد هستیم که در پی جبران کمبودهای اقلیمی این دیار است. خزایی در مورد نقش‌های آجری به کار رفته در معماری اسلامی و معنای شکل‌گیری آن‌ها معتقد است: "نقش‌های تزیینی جزء لاینفک هنر ایران، به خصوص در دوره‌ی اسلامی است. در واقع هنر ایران در تزیینات توفیق روزافزونی داشته است. با این وجود تزیینات و ویژگی‌های آن در هنر ایران کمتر مورد بحث قرار گرفته است. همین امر سبب شده که بسیاری از ابعاد از جمله مبانی عملی و نظری، اصول زیبایی‌شناسی، مفاهیم نمادین و... ناشناخته بماند. هنرمندان در طراحی این نقش‌ها کوشیده‌اند تا اثری دل‌پذیر و زیبا، مطابق با نیازهای جسمی، روحی و فطری انسان بسازند، از طرفی هنرمندان توانسته‌اند بسیاری از مفاهیم فرهنگی و مذهبی را با زبان نمادین طرح‌ها و نقش‌ها بیان نمایند. این نقش‌ها گاهی به سمت نقش‌های هندسی، زمانی در قالب نقش‌های منحنی و اسلیمی و گاهی به شکل صور نجومی سوق داده شده‌اند. در حقیقت این آثار انعکاسی از جهان‌بینی و تفکر فلسفی جامعه‌ای است که هنرمند براساس آن، سنت‌های هنری دوره‌های قبلی را تعدیل کرده است." (هوفمن، ۱۳۸۱، ص. ۶-۴) بنابراین این نقوش در این معنا نشانگر ویژگی‌های فرهنگی و عقیدتی هنرمند و جامعه‌اش می‌باشد که در دیار یزد به دلیل کمبود پوشش گیاهی هنرمند طبیعت را به صورت انتزاعی در آجرکاری نمود می‌بخشد.



تصویر ۸: آجرهای نقش‌دار تزیینی مهری یا قالبی بر سردر خانه‌های یزد با نقوش گیاهی همچون گل بابونه، برگ کنگری و... عکاس: نگارنده ۱۳۹۷

۳.۶. فرهنگ دوران‌دیشی و آینده‌نگری

اگر فرهنگ دوران‌دیشی و آینده‌نگری در یزد وجود دارد به دلیل فقر محیط است، بنابراین تن دادن به جبریات طبیعت، یک باور و رفتار پیوسته شده، که فرهنگ مردم یزد را شکل داده است؛ همین ارزش در معماری با عنوان تفکر مرمت پیش از تولید خود را به منصفی ظهور می‌رساند در حالیکه شاید در معماری اقلیمی که با وفور نعمت مواجه ایم کم‌تر شاهد این نوع دوران‌دیشی باشیم. "تفکر مرمت‌پذیری ایده‌ای است که بر اساس آن در زمان طراحی به مرمت‌های آینده‌ی طرح فکر شده و تدابیری برای آن در نظر گرفته شده باشد." (امینی، ۱۳۹۲) در آجرکاری هر چه قطعات کوچک‌تری برای ایجاد یک نقش مورد استفاده قرار گیرد (استفاده از قطعات مختلف آجر چون کلوک، نیمه، سه قدی و...) مرمت نقش در زمان‌های آتی امکان‌پذیر بوده و نیازی به تعویض کل مصالح نمی‌باشد هم چون کاشی معرق که در قیاس با کاشی هفت رنگ دارای تفکر مرمت‌پذیری می‌باشد. البته این آینده‌نگری و اعتقاد راسخ به مرمت نیز در رابطه با عدم اسراف و حرام نشدن مصالح می‌باشد که در آجرکاری‌های اصیل‌تر شاهد رعایت این نکته هستیم به خصوص در سردر خانه‌ها البته هر چه به زمان پهلوی نزدیک‌تر می‌شویم رعایت این موضوع کم‌فروغ‌تر می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

بنابراین در معماری آجری مدرن سوای مسائل کالبدی، فنی و ایمنی در طرح‌ریزی یک بنا توجه به ویژگی‌های معنایی منشعب از اعتقادات و باورهای اصیل مردم سخت‌کوش کویر که به شکلی صادقانه در عناصر آجری خانه‌های قدیمی یزد تبلور یافته، همواره می‌تواند ضریب ایستایی و پایداری مسکن را به شکل چشم‌گیری افزایش دهد. چراکه بسیاری از تزیینات و مصالح تزیینی شیک و پر زرق و برق دنیای مدرن نه تنها سنخیتی با باورهای فرهنگی، مذهبی و اعتقادی مردم ایران زمین؛ خاصه مردم یزد ندارد، بلکه باعث تخریب باورها و اعتقادات کهن و ریشه‌دار مردم نیز می‌گردد. لذا توصیه می‌شود که معماران معاصر با اصلاح الگوی مصرف مردم و رجوع به فرهنگ اصیل ایران زمین، در تزیینات وابسته به معماری سنتی یزد تلاش نمایند که معنویت، قناعت و عدم اسراف و صرفه‌جویی را که از اصول اساسی معماری شهر یزد است، ترویج، بسط و گسترش دهند. ارزش‌های فرهنگی از جمله اعتقاد راسخ به عدم اسراف و رعایت حد استفاده از مصالح و حرام نکردن آن، تداعی و صورت‌گری آنچه اقلیم در اختیارشان نمی‌گذارد از جمله نقوش گیاهی و یا رعایت هندسه‌های مقدس در بافت‌های آجرکاری، اعتقادات خاص و از جمله بدشگون بودن یا نبودن برخی نگاره‌ها و بافت‌ها که هر چند ابتدا در نظر اعتقادات خرافی به نظر می‌آید ولی

با تدقیق بیشتر متوجه می‌شویم که برگرفته از همان اعتقادات دینی است که چون توضیح منطق‌های آن برایشان مشکل می‌نمود نام بدشگونی بر آن می‌نهادند و از این طریق یک دیگر را به رعایت آن سفارش می‌کردند. منظور کردن تمام این منطق‌های معنایی و ارزش‌های فرهنگی که بیش از پیش مورد غفلت واقع شده است، بایستی در معاصر سازی هنر آجرکاری و طراحی- های آجری امروزی لحاظ گردد.

منابع

- امامی، صابر. ۱۳۸۸. حافظ و هویت فرهنگی. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۱۳.
- امینی، محمد رضا. ۱۳۹۲. "بهیافت در معماری داخلی". اساتید راهنما: دکتر عیسی حجت و دکتر حمید رضا انصاری استاد مشاور: دکتر محمد رضا اولیا. تهران: دانشگاه تهران.
- اهری، مهرداد. ۱۳۵۲. آجر. تهران: بی جا: انتشارات مجله هنر و معماری.
- اولیا، محمدرضا، آمنه اولیا، و بینه اولیا. ۱۳۹۵. "نسبت آجرکاری و فرهنگ". همایش ملی آجرکاری در هنر و معماری ایران.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۱. مصالح ساختمانی. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- جباری فر، تقی. ۱۳۸۷. "یزد شهر یادگاری های کهنو باستانی ایران". فصلنامه فرهنگ یزد، شماره ۳۴ بهار و تابستان ۳۵.
- جعفری نجف آبادی، عاطفه. ۱۳۹۰. "طراحی الگوی مسکن معاصر(براساس پتانسیل های معماری بومی یزد)". استاد راهنما: حسین مهدوی پور استاد مشاور: کاظم مندگاری.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۸۸. "انسان شناسی مسکن". تهران.
- سالاری، مظفر. ۱۳۹۵. "گوهر شب چراغ یزد". یزد، ۱۲۰.
- شجاع، فرشته. ۱۳۹۷. طراحی ساختمان مسکونی با توجه به خصوصیات بافت های آجرکاری در زمینه ی شهر یزد. استاد راهنما: دکتر حسین پور مهدی قائم مقامی، یزد: دانشگاه یزد.
- عنایت اللهی، مرجان. ۱۳۸۰. "پایان نامه طراحی مجموعه ی مسکونی در یزد". استاد دکتر محمود رازجویان.
- ماهرالنقش، محمود. ۱۳۸۱. میراث آجرکاری ایران. تهران: سروش.
- نقی زاده، محمد. ۱۳۸۱. "تاثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی". نشریه هنرهای زیبا ۱۱ ۶۲-۷۶.
- هوفمن، آرمین. ۱۳۸۱. مبانی هنرهای تجسمی. با ترجمه محمد خزایی. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.